

حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری (بخش دوم)

پویش حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری در جامعه‌های تغییر یابنده

محمد شلیله

می‌آمیزد، از گرایشهای سیاسی مراجع قدرت در حاکمیت تاثیر می‌پذیرد و در تحلیل نهایی به تکوین مبانی نظری حرفه‌ای‌گری در هر دوره می‌انجامد. در زیر این گونه عوامل را مستقل از پیوند متقابلی که رویهم دارند بررسی می‌کنیم.

مبانی نظری و ایدئولوژیکی

بروئر (Brewer, 1985) در بررسیهای خود سه نظریه متفاوت را در مورد آینده حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری از هم باز شناخته است. یکی نظریه‌ای که بر تداوم حرفه‌ای شدن یا حرفه‌ای کردن^۲ مشاغل تاکید دارد و معتقد است که اغلب مشاغل در آینده به نحو گسترش یابنده‌ای به تعریف و باز تعریف نقشها، تعیین وظایف و دامنه فعالیتهاشان خواهند پرداخت و قادر خواهند شد که از موقعیت شغل خویش در برابر مداخله یا اقدامات رقابت جویانه به نحو موفقیت آمیزی حفاظت کنند و به شمار مشاغل حرفه‌ای بپیوندند. اما نظریه دوم که درست در برابر نظریه اول قرار دارد، تداوم حرفه‌ای شدن یا حرفه‌ای کردن مشاغل را مورد تردید جدی قرار می‌دهد و حرفه زدایی^۳ را آینده مقدر اغلب مشاغل می‌داند؛ فرایندی که به وسیله آن اختیارات خاص یا حقوق منحصر به حرفه‌ها در مشاغل مربوط رو به کاهش

در مقدمه نخستین بخش این مقاله (حسابرس، شماره ۲۴، بهار ۸۳) ویژگیهای این مقاله، روش و مبانی نظری آن و یافته‌هایش به اختصار توضیح داده شد و در متن آن، «جنبه‌های گوناگون آینده حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری» و «سرچشمه قدرت حرفه‌ها» مورد

بحث قرار گرفت. در این بخش «پویش

حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری در

جامعه‌های تغییر یابنده»، در

برگیرنده «مبانی نظری و

ایدئولوژیکی حرفه‌ای‌گری»، تاثیر

عوامل سیاسی بر حرفه‌ها»،

«مناسبات حرفه‌ها با شهروندان،

دولتها و مشتریان»، «روابط فیمابین

حرفه‌ها، بازار و رقابت»، «تاثیر

سازمان و فن‌شناسی بر حرفه‌ها» و

«مناسبات بین حرفه‌ای» مورد

بررسی قرار می‌گیرد و سرانجام به

همراه یک جمع‌بندی از مباحث مورد

بررسی، چند پیشنهاد در زمینه شیوه مطالعه

حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری عرضه می‌شود.

پژوهشگرانی که تحولات حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری را

در چارچوب مناسبات قدرت-کنترل^۱ بررسی کرده‌اند، آینده آن

را به تاثیر به هم پیوسته عوامل اقتصادی، اجتماعی، فن‌شناختی

(تکنولوژیکی) و... وابسته دانسته‌اند که هر یک یا مجموع آنها

بر حسب زمان و مکان با تفسیرهای فلسفی-نظری و فرهنگی غالب



می‌گذارد. و سرانجام نظریه سوم بر آن است که فرجام نزدیک حرفه‌ها **استخدام در دستگاه (نهاد) بوروکراسی** است. به موجب نظریه اخیر همراه با از دست رفتن حقوق منحصر به حرفه‌ها، قدرت و اعتبار آنها نیز کاهش می‌یابد و در همین راستا **اعضای حرفه‌هایی** که به **استخدام نهاد بوروکراسی** در می‌آیند^۵ در موقعیتی قرار

نظام توزیع درآمد در ساختار شغلی کشورها و سهم حرفه‌ها و حرفه‌ای‌ها از درآمد ملی در سمتگیری سیاسی آنان به نحو معنی‌داری تاثیر دارد

می‌گیرند که حقوق منحصر به موضوع فعالیت حرفه‌ای، کنترل محیط کار و بازار کار شغل مربوط را از دست می‌دهند، و اداره این امور به مدیران خارج از حوزه شغل حرفه‌ای منتقل می‌شود. نتیجه اینکه افراد شاغل در مشاغل حرفه‌ای دیگر نمی‌توانند مستقل و آزاد باشند و حوزه فعالیت‌هایشان را تعریف کنند یا نحوه انجام وظایف شغلیشان را مشخص کنند و بر قابلیت و صلاحیت افرادی که در حرفه‌شان کار می‌کنند کنترل اعمال نمایند. در نتیجه فعالیت‌های شغلیشان به اموری تکراری و **یکنواخت** تبدیل می‌شود و حتی به **مهارت زدایی**^۷ آنان نیز می‌انجامد؛ فرایندی که همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، حرفه‌ای‌زدایی نام گرفته است. **فریدسن (1986)** (Freidson) پیشبینی کرده است که در صورت تحقق پیشبینی‌های نظریه پردازانی که به حرفه‌زدایی از مشاغل حرفه‌ای باور دارند، کالبد تخصصی حرفه‌ها و الگوی رفتار متخصصان ذیربط به طور نسبی پا برجا باقی می‌ماند، و این گروه از متخصصان به صورتی پیچیده به رفتارها و عملکردهای خود در زمینه اعمال دانش تخصصی‌شان ادامه می‌دهند و به منظور تداوم اهداف و اقتدار حرفه‌ای‌شان در انجمن‌ها (نهادهای) وابسته به نهاد بوروکراسی و اقتصاد سیاسی پناه می‌گیرند.

درباره علت بروز دگرگونی‌های پیشبینی شده در مورد آینده حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری، نظریه‌های متفاوتی مورد بحث قرار گرفته است. **فریدسن (۱۹۸۶)** بخشی از این تغییرات پیشبینی پذیر را نتیجه

بالا رفتن دانش و آگاهی استفاده‌کنندگان از خدمات حرفه‌ای می‌داند. برینت در بررسی اوضاع حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری در جامعه‌های امریکایی تحقق دگرگونی‌های یادشده را نتایج مرحله‌ای از نبرد میان **طبقه متوسط نو**^۸ برای گرفتن قدرت و موقعیت از **طبقه متوسط سنتی**^۹ که بیشتر تاجران را در برمی‌گیرد، ارزیابی کرده است. از نظر مورفی نظریه‌ای که بر استخدام (ادغام) گسترش‌یابنده و فزاینده حرفه‌ها در نهاد بوروکراسی تاکید دارد، براساس تحقق سه فرض توضیح دادنی است: اول، گسترش دامنه استفاده از ابزارهای **ریز الکترونیک**^{۱۰} و کامپیوتر از طریق استفاده فزاینده مدیران از تکنولوژی در راستای استاندارد کردن مشاغل حرفه‌ای؛ دوم، استفاده از مدیران آموزش دیده در دانشکده‌های مدیریت دوران اخیر؛ و سوم کاهش گسترده بودجه هزینه‌های اجتماعی به وسیله دولت‌ها. برینت گسترش یا محدود شدن لایه مشاغل حرفه‌ای در کل اقتصاد را به نحو تعیین‌کننده‌ای به میزان کاربرد دانش در امور به نحو عام و رشد **اقتصاد خدمات**^{۱۱} به صورت خاص وابسته می‌داند. در حالی که **فریدسن (Freidson, 2001a)** معتقد است ایدئولوژی حاکم بر کار حرفه‌ای و نظریه‌ای که حرفه‌ای‌گری بر مدار آن می‌گردد، فراتر از نظام کار جریان دارد و از فلسفه و جودوی انواع آموزش‌هایی که مهارت‌های تخصصی به نحو عام و مهارت‌های تخصصی حرفه‌ای را ضروری می‌سازد سرچشمه می‌گیرد. از دیده‌وی بنیاد هر حرفه‌ای بر دانش حرفه‌ای و مهارت تخصصی که با ایدئولوژی پشتیبانی‌کننده حرفه‌ای‌گری پیوند دارد، استوار است.

برینت معتقد است که ایدئولوژی حرفه‌ای‌گری در دوران اخیر در چارچوب مفاهیم و نظریه‌های مربوط به **جماعت**^{۱۲} (ساروخانی ۱۳۶۶؛ آشوری ۱۳۷۴؛ برنجیان ۱۳۷۱) و «اقتدار» یا **مرجعت**^{۱۳} (آشوری، ۱۳۷۴؛ برنجیان ۱۳۷۱؛ ساروخانی، ۱۳۶۶) شکل گرفته است. مفهوم «جماعت» در کلی‌ترین و ساده‌شده‌ترین معنا در این مقاله ناظر است بر روابط اجتماعی میان گروهی از افراد خاص با نیازها، اهداف و برنامه‌های عملی مشترک که ملزم به رعایت حدود مشخص و یا مقررات و ضوابط ویژه‌ای برای اجرای آنها باشند. بر این اساس انجمن‌های حرفه‌ای صورتی از «جماعت» اند. همچنین «اقتدار» نیز در کلی‌ترین مفهوم آن «قدرت رسمی» یا «قدرت برخوردار از مشروعیت» معنی می‌دهد؛ یعنی ناظر به همان اقتداری است که حرفه‌ها بیش و کم از آن برخوردارند. اقتدار در این مفهوم الزاماً باید از رسمیت برخوردار باشد و بیشتر برخورداری از نقش تثبیت شده سیاسی را در مجموع مناسبات قدرت بازتاب می‌دهد.

عوامل سیاسی

جنبه سیاسی تغییر و تحول در میزان آزادی عمل یا استقلال حرفه‌ها^۴ و پیوند آن با آینده آنها موضوع بحثها و بررسیهای گسترده‌ای قرار دارد. برخی چون لارسن (Larson, 1990b) معتقدند ساختار حرفه‌ها مستقل از موقعیت سیاسی و اجتماعی آنها شکل می‌گیرد، و بعضی مانند برینت در نتیجه بررسی پیوند بین حرفه‌ها و امور سیاسی پیشنهاد می‌کنند که تاثیر افراد حرفه‌ای برخوردار از اقتدار سیاسی را در انجمنهای حرفه‌ای باید از نفوذ و اقتدار سیاسی خود انجمنهای حرفه‌ای تفکیک کرد و باید توجه داشت که ممکن است گاه هدفهای سیاسی افراد برخوردار از نفوذ سیاسی در انجمنهای حرفه‌ای حتی با مقاصد سیاسی انجمنها متفاوت باشد. کراس از مقایسه حرفه‌ها در ایالات متحده، فرانسه، ایتالیا و آلمان به این نتیجه رسیده است که تحولات تاریخی و تغییر در اوضاع سیاسی کشورها، آثار متفاوتی بر حرفه‌های گوناگون بر جای می‌نهد. بنابراین یافته‌های وی اما حکومتها، چه آنها که زیر نفوذ و کنترل نخبگان قرار دارد، یا آنها که خودکامه و مستبد و دیکتاتورند، همچنین حکومت‌های سرمایه‌داری وابسته^۵ و حکومت‌های بنیادگرای مذهبی، جملگی نه فقط بر آینده دولتهای تحت اداره خود تاثیر می‌نهند که بر آینده حرفه‌ها نیز نقش تعیین کننده دارند. برینت در بررسی دیگری دریافته است که نظام توزیع درآمد در ساختار شغلی کشورها و سهم حرفه‌ها و حرفه‌ای‌ها از درآمد ملی در سمتگیری سیاسی آنان به نحو معنی داری تاثیر دارد. پرکین نیز به نتایج همسانی با برینت دست یافته است. وی در این باره آشکار ساخته است که موقعیت حرفه‌ها در سلسله مراتب نظام شغلی در نتیجه رقابت یا یکدیگر در راستای دستیابی به سهم بیشتر از درآمد ملی یا بودجه دولتها تغییر می‌کند. و سرانجام راسایدز (Rossides, 1998) معتقد است که وجه سیاسی - اجتماعی حرفه‌ها را لیبرالها و مارکسیستها برجسته کرده‌اند، در حالی که از نظر خود او اعتبار عمومی حرفه‌ها از کوششهایی که به ویژه در راه حل مسایل اجتماعی که حل آنها دور از دسترس عموم مردم قرار دارد سرچشمه می‌گیرد.

حرفه‌ها و شهروندان، دولتها و مشتریان

بسیاری از پژوهشگران رشته جامعه‌شناسی کار و حرفه، به ویژه در دهه ۱۹۹۰ و پس از آن، به منظور پیش بینی آینده حرفه‌ها، آثار تغییر و تحول در حقوق شهروندی، تاثیر ویژگیهای مشتریان خدمات حرفه‌ای و حرفه‌ها را بر آنها و نتایج تغییر در نقشهای اقتصادی و

اجتماعی دولتها و تغییر مناسبات فیما بین دولتها و حرفه‌ها را به طور مستقل یا در پیوند با یکدیگر مورد تحقیق قرار داده‌اند. ابات در بررسیهای خود در این باره دریافته است که وابستگی حرفه‌ها به دولتها و مشتریان ثروتمند به طور مستقیم قدرت حرفه‌ها را افزایش می‌دهد. به نظر او حرفه‌ها تا آن اندازه می‌توانند قدرتمند باشند که مشتریان آنها، اعم از دولتها یا مشتریان ثروتمند به آنها اجازه دهند. او آشکار ساخته است که دولتها یا مشتریان بزرگ همچنین می‌توانند قدرت حرفه‌ها را محدود کنند. فریدسن در اثر اخیر خود (۲۰۰۱) نشان داده است که آن گروه از حرفه‌ها که مهارتها و قابلیت‌هایشان مبنایی تجربی دارد، در برابر عمل دولتها آسیب پذیرترند. او در کتاب پیشین خود (۱۹۸۶) نیز بر این مسئله تاکید کرده است که مشتریان عمده خدمات حرفه‌ای، انتظارشان از خدمات حرفه‌ای را بر اساس نیازشان تعریف می‌کنند، نه بر اساس الزامات رفتار حرفه‌ای و این مشتریان بزرگ اند که مشخص می‌کنند حرفه‌ها چه نوع خدمات و با چه کیفیتی باید برای آنان انجام دهند. به بیان دیگر مشتریان بزرگ حرفه‌ایها را وادار می‌کنند که آنچه را که آنان می‌خواهند انجام دهند. فریدسن همچنین توضیح می‌دهد که قدرت حرفه‌ها به طبیعت، نوع و رشته فعالیت مشتریانشان و به میزان اقتداری که در جامعه دارند نیز بستگی دارد. به علاوه از نظر وی افزایش سطح آموزش و آگاهیهای عموم مردم در زمینه‌های گوناگون به تدریج فاصله دانش حرفه‌ایها و مشتریان را کمتر کرده و به عنوان یکی از عوامل موثر در کاهش اقتدار حرفه‌ها نقش ایفا کرده است. او همچنین معتقد است که نوع روابط بین دولتها و حرفه‌ها به سازمان اداری دولتها، برنامه‌های آنها و مقاصد سیاسی شان که بر حسب زمان و مکان تغییر می‌کند بستگی دارد. در همین راستا برتیلسون توضیح داده است که حرفه‌ها در جامعه‌هایی که «دولتهای لیبرال» اداره امور آن را در دست دارند «مشتری ساخته»^۶ و در جامعه‌های با دولتهای رفاه^۷، «شهروند ساخته»^۸ اند. او از بررسیهایش نتیجه گرفته است که در جامعه‌هایی که دولتهای رفاه اداره جامعه را بر عهده دارند، فعالیت‌های حرفه‌ای با نوعی سیاست‌زدگی^۹ همراه است، در همان حال که کار سیاسی نیز در این گونه جامعه‌ها در پوششی حرفه‌ای گرایانه^{۱۰} صورت می‌گیرد. از نظر برتیلسون «مشتری و شهروند ساخته»^{۱۱} بودن، تقدیر تاریخی حرفه‌ها در جامعه‌های مدرن است. از سوی دیگر ابات معتقد است ساختار فعالیت و ساختار سازمانی مشتری بر فعالیت‌های حرفه‌ای تاثیر تعیین کننده دارد. از دیده او مشتریان بزرگ و سازمان یافته می‌توانند نیازهای شان را از جنس اموری که نیازمند

راه‌حلهای «حرفه‌ای»^{۳۲} اند توصیف و تعریف کنند. وی می‌افزاید از آنجا که مسئولیت قانونی اجرای رهنمودها و راه‌حلهایی که از سوی حرفه‌ها عرضه می‌شود با مشتریان خدمات حرفه‌ای است،

بنیاد هر حرفه‌ای

بر دانش حرفه‌ای

و مهارت تخصصی که با ایدئولوژی

پشتیبانی کننده حرفه‌ای گری

پیوند دارد

استوار است

برحسب اینکه مشتریان خدمات حرفه‌ای از چه اندازه اختیار و اقتدار قانونی برخوردار باشند تاثیر متفاوتی در افزایش یا کاهش میزان اقتدار حرفه‌ها خواهند داشت. به ویژه در مواردی که مشتری از قدرت بالایی برخوردار باشد و بتواند حق الزحمه‌های کلان بپردازد؛ مانند موسسات تجاری بزرگ و دولتها. در مورد رابطه بین حرفه‌ها و مشتریان، فریدسن رابطه‌ای دو طرفه بین حرفه‌ها و مشتریان بزرگ را نیز از نظر دور نداشته است. از نظر او عرضه خدمات به مشتریان بزرگ در جای خود نیازمند اعمال نوعی کنترل حرفه‌ای بر این گروه از مشتریان نیز هست که به میزان درخور توجهی به افزایش و گسترش اقتدار حرفه‌ها می‌انجامد. ضمن اینکه از نظر وی حوزه فعالیت و نوع خدمات شماری از حرفه‌ها چنان است که اغلب به مشتریانی که قدرتمند، آزموده، پیچیده و پیشرفته اند خدمت می‌دهند؛ مشتریانی که صاحب سرمایه‌های کلان‌اند و از اقتدار اقتصادی و سیاسی برخوردارند و خودشان مسائل شان را تعریف می‌کنند و حرفه‌ها را به انتظارات خودشان وابسته می‌کنند. این چگونگی همچنان در تحلیل نهایی به کاهش اعتبار و اقتدار سرچشمه گرفته از قابلیت‌ها و عملکردهای حرفه‌ای حرفه‌ها منتهی می‌شود.

فریدسن افزوده است که در دوران اخیر حرفه‌ها بیشتر می‌توانند قدرت قابل ملاحظه‌ای را بر مشتریان سازمان نیافته و مشتریان فردی اعمال نمایند. راسایدز تغییر و تحول در وضعیت حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری و آینده آنها را به تغییر و تحولاتی چند بعدی در ژرفساختهای ارکان مختلف جامعه‌ها وابسته می‌داند؛ از جمله وی

ظهور فرهنگ حرفه‌ای‌گری در قرن نوزدهم را معلول گسترش رویکردهای عقلانی‌تر سرمایه‌داری به اداره امور سرمایه و امور بازرگانی در این دوره می‌داند و در همان حال عقیده دارد که خود این تغییر نیز از ظهور و رواج نگرشی سرچشمه گرفته که معتقد است اصول حاکم بر سازوکار دنیای فیزیکی و اجتماعی بر هر فعالیت دیگری حاکم است و نتیجه می‌گیرد که به همین دلیل، روشهای مورد استفاده در تشخیص و حل مشکلات حوزه‌های فیزیکی و اجتماعی می‌تواند در اغلب زمینه‌ها مورد استفاده قرار گیرد. او همچنین تاکید می‌کند که تغییر و تحول در مفهوم و کارکرد حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری نیز تاثیر متقابلی بر ارکان پیشگفته دارد. راسایدز بر بنیاد همین تجزیه و تحلیلها آشکار ساخته است که حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری از ارکان تعیین کننده تکوین تحولات فرهنگی و نگرش سرمایه‌داری در جریان انتقال صورتبندی «سرمایه‌داری بنگاهداری»^{۳۳} در قرن نوزدهم (آغاز لیبرالیسم) به «سرمایه‌داری شرکتی»^{۳۴} (لیبرالیسم موخر) بوده است. همچنان از نظر وی این حرفه‌ها بوده‌اند که زمینه تغییر شکل تجربه‌ها و تغییر نگرشهای ذیمدخل در تغییر شکل اقتصاد از «اقتصاد مالکیت خرد»^{۳۵} به «اقتصاد سیاسی متمرکز»^{۳۶} را فراهم آورده‌اند. کراس نیز دریافته است که شیوه‌های کنترل دولتها و سرمایه‌های الگوی کنترلهای حرفه‌ای قرن نوزدهم سرچشمه گرفته است. به نظر کراس قدرت هر گروه حرفه‌ای با محتوای شغل مربوط نیز رابطه مستقیم دارد و به همین ترتیب هرگونه تغییر عمده در محتوای شغل حرفه‌ای یا زمینه فعالیت آن بر اقتدار حرفه مربوط تاثیر می‌نهد. به زعم وی الگوی تغییر میزان قدرت حرفه‌ها در جامعه‌های کنونی در کلی‌ترین صورت آن در چارچوب مناسبات دولت-حرفه-سرمایه تغییر می‌کند.

حرفه‌ها، بازار و رقابت

به زعم فریدسن (۲۰۰۱) در نظام بازار، این مصرف‌کنندگانند که کیفیت و کارایی محصولات تولیدکنندگان کالا یا خدمات را کنترل می‌کنند. از دیده برینت یکی از ویژگیهای بارز قرن اخیر گسترش نامحدود قدرت بازارهای مصرف و قدرت شرکتهاست. در چنین شرایطی یکی از تعیین‌کننده‌ترین مصرف‌کنندگان خدمات حرفه‌ها بدون در نظر گرفتن دولتها، شرکتهاستند که از قدرتمندترین ارکان جامعه‌های کنونی‌اند. براین اساس چشم‌انداز موقعیت حرفه‌ها به نحوه برآوردن انتظارات این گروه از مشتریان بستگی دارد. ابات می‌گوید در چنین شرایطی بقای حرفه‌ها به شدت وابسته به این است

افزایش سطح آموزش و آگاهیهای عموم مردم در زمینه های گوناگون به تدریج فاصله دانش حرفه ایها و مشتریان را کمتر کرده و به عنوان یکی از عوامل موثر در کاهش اقتدار حرفه ها نقش ایفا کرده است

کار می کنند و به طور مستقیم از ارزشهای کانونی دنیای بازرگانی کانونی دفاع می کنند و به آن وابسته اند، در موقعیت اطمینانبخش تری قرار دارند تا آنان که در بخشهای دولتی و غیرتجاری کار می کنند. نقش دیگری که افراد حرفه ای در پیوند با موقعیتهای سازمانی و میزان درآمدی که در این موقعیت کسب می کنند ایفا می کنند، این است که افراد حرفه ای با درآمد بالا بیشتر در سازگار کردن افراد با محیطهای اجتماعی که ارزشهای تجاری در آنها غالب است می کوشند؛ رویکردی که در ایمنی شغلی آنان تاثیری چشمگیر دارد. البته همو در یافته است که حرفه ایهای با درآمد بالا بیشتر احتمال دارد که محافظه کار باشند و این چگونگی از طرف دیگر دامنه ابتکارات آنان را محدود می سازد.

مورفی همچنان که پیشتر از او نقل کردیم پیش بینی کرده است حرفه ای هایی که به سیستمهای بوروکراسی می پیوندند و تحت کنترل مدیریت در سازمانهای رسمی قرار می گیرند اقتدارشان را از دست می دهند. در حالیکه ابات معتقد است حرفه ایها می توانند نفوذشان را از طریق اعمال کنترلهای ساختاری بر سازمانها حفظ کنند. از سوی دیگر مورفی آشکار ساخته است که توسعه تکنولوژی، حرفه ها و اعضای آن را به ماشینهای گران و پیچیده وابسته کرده است که از یک طرف نیازمند اعمال مدیریت متمرکز بر آنها و از طرف دیگر محتاج منابع سازمانی فراتر از ظرفیت افراد یا گروههای کم شمار است که به طور معمول موسسات حرفه ای را تشکیل می دهند. نتیجه آنکه سرمایه های بزرگ خصوصی و عمومی که از عهده تهیه و تدارک امکانات تکنولوژیک مورد نیاز موسسات و افراد حرفه ای بر می آیند می توانند از این طریق حرفه ها و متخصصان حرفه ای را به همکاری با خودشان و ادار نمایند و دانش و قابلیت های آنها را به خدمت گیرند. ضمن اینکه فرجام این گونه تغییرات، ناگزیر شدن متخصصان به استخدام در موسسات خصوصی یا عمومی بر خوردار از امکانات مالی بسیار است. ابات از بررسیهای خویش

که تا چه اندازه حرفه ها قادر به عرضه راه حلهایی به مشتریانشان باشند که آنان را قادر سازد در بازار پر رقابت کانونی به فعالیتشان ادامه دهند. حرفه ها به ویژه در کشورهایی که در آنها دولتها خدماتی مشابه خدماتی که حرفه ها عرضه می کنند، ارائه می دهند با رقیبی جدی و پر قدرت روبه رو هستند. به ویژه آنکه در بسیاری موارد خدمات حرفه ای که به وسیله سازمانهای دولتی و کارشناسان حرفه ای شاغل در این سازمانها عرضه می شود بسیار ارزانتر است. ابات همچنین از ظهور و توسعه قریب الوقوع بوروکراسیهای چند حرفه ای^{۳۷} یاد می کند که می توانند در آینده عرصه را بر حرفه هایی که در یک زمینه فعالیت می کنند تنگ کنند و آنان را از میدان رقابت به در برند.

سازمان و تکنولوژی

تاثیر تغییر و تحول در سازمان امور اقتصادی و بازرگانی و رشد و گسترش کاربرد تکنولوژی بر آینده حرفه ها و حرفه ای گری موضوع بررسیهای بسیار بوده است. برینت در زمینه بحث حاضر بخش خدمات را از نظر سازمانی به دو بخش عمده تقسیم می کند، بخشی که شمار گسترده ای از افراد متخصص حرفه ای را به استخدام خود در آورده است و بخشی که از افراد متخصصی که در موسسات حرفه ای مستقل به کار اشتغال دارند تشکیل می شود. براین اساس از نظر وی موقعیت حرفه ها و حرفه ایها بر حسب اینکه در کدامیک از این دو بخش کار کنند متفاوت خواهد بود. پرکین عقیده دارد انقلاب پسا صنعتی، انقلاب در سازمان انسانی^{۳۸} صنعت است. در همین راستا برینت دریافته است که شخصیت حرفه ای گری معاصر به نوع سازمانها و صناعی که از خدمات متخصصان حرفه ای استفاده می کنند یا متخصصان حرفه ای را در استخدام خود دارند بستگی دارد و نه فقط به اهمیت و اعتبار شغل آنان. از نظر برینت موقعیت افراد حرفه ای را از جنبه دیگری نیز می توان مورد ارزیابی قرار داد. از جمله آنان که در بخشهای انتفاعی

نتیجه گرفته است که تاثیر مستقیم تغییرات سازمانی و تکنولوژیکی پیشگفته بر افراد حرفه‌ای (ونه بر حرفه‌ها و موسسات حرفه‌ای) به طور کلی مثبت است، چرا که امکان اشتغال فردی آنان را افزایش می‌دهد. او می‌افزاید که البته این تاثیر بر همه حرفه‌ها یا افراد حرفه‌ای یکنواخت و یکسان نیست و حتی ممکن است به نابودی برخی از حرفه‌ها نیز منتهی شود. البته همچنانکه ابات نیز تصریح کرده است تغییرات اخیر الذکر در میزان قدرت حرفه‌ها و کاهش آن، نتیجه کاربرد تکنولوژی بر حرفه‌ها نیست، بلکه از اقتدار و نفوذ سرمایه‌های سازمان یافته سرچشمه می‌گیرد. ابات می‌گوید تکنولوژی و سازمان در دو قرن اخیر در دوره‌ای عامل گسترش فعالیتهای حرفه‌ای بوده‌اند و در زمانی دیگر عامل محدودکننده آن. کراس نیز با ابات در این زمینه هم عقیده است. به نظر **میدل هرست و کنی** (Middlehurst and Kenzie, 1997) بدون استفاده از تکنولوژیهای نوین حتی خیلی از تغییرات و تحولات در فعالیتهای حرفه‌ای از جمله تجدید سازمان فعالیت آنها، نحوه عرضه و بهبود و توسعه خدماتشان امکانپذیر نمی‌شد.

مناسبات بین حرفه‌ای

مناسبات بین حرفه‌ای و تاثیر آن بر آینده حرفه‌ها در دو سطح مطرح است. یکی رقابتهایی که به طور معمول بین اعضای یک حرفه جریان دارد. در حالیکه رقابت اعضای یک حرفه با یکدیگر می‌تواند تاثیرات مثبتی بر کار و کیفیت خدمات موسسات حرفه‌ای یا افراد حرفه‌ای به صورت مستقل داشته باشد، در همان حال شکل حاد و بی‌حد و مرز آن نیز می‌تواند آثار مخربی بر کل حرفه و بر ساخت تشکیلاتی آن بر جای نهد. از طرف دیگر بسیاری از حرفه‌ها در مشاغل مختلف نیز با یکدیگر رقابت دارند؛ رقابتی که بیشتر بر سر حوزه فعالیت حرفه‌ها با یکدیگر شکل می‌گیرد. ابات نشان داده است حرفه‌ها صرفنظر از استقلالی که به دلیل تفاوت در نوع شغل با یکدیگر دارند اما، به عنوان نهاد اجتماعی حرفه‌ای گری با یکدیگر شکل می‌گیرند و توسعه می‌یابند و از این نظر با یکدیگر وابستگی درونی دارند و از همین روست که رقابت بین حرفه‌های مختلف با یکدیگر، آنها را به تضاد با یکدیگر می‌کشاند.

جمع‌بندی و پیشنهادات

حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری به عنوان مجموعه‌ای از تشکلهای مشاغل **دانش - بنیاد**^{۲۹} و در کلیت آن به عنوان نهادی اجتماعی با سایر

نهادهای اجتماعی پیوند بنیادین دارد. پیشینه این نهاد با شرایط تاریخی و در عین حال به زمان و مکان بستگی دارد. نظریه‌های مبنای آن از دیدگاههای رایج فلسفی و نظریه‌های اجتماعی غالب تاثیر می‌پذیرد. از آنکه همکار دولتهاست و طرف قرارداد با بخش خصوصی است و به طور کلی از طریق چاره جوییها یا مشارکت در برنامه ریزیهای دولت یا بخش خصوصی در تنظیم مناسبات قدرت اقتصادی سهمیم است و دخالت دارد، و جهی سیاسی دارد و از طریق تاثیربری که بدین ترتیب بر سیاستگذارهای کلان می‌نهد، عملکردهایش با حقوق شهر و ندان پیوند دارد؛ تحت تاثیر الگوهای فرهنگی قرار دارد؛ رویاروی تحولات تکنولوژی است؛ عمیقاً به شرایط و اوضاع اقتصادی وابسته است؛ درگیر مناسبات و تغییرات و تحولات اوضاع تجارت و بازار است؛ با نهاد آموزش پیوندی حیاتی دارد؛ به عرصه مناسبات بین‌المللی راه دارد و در عرصه رقابتهای بین‌المللی با حرفه‌های همسان و سایر حرفه‌ها حضور دارد؛ و سرانجام اینکه اغلب این وابستگیها و پیوندها از زمانی به زمان دیگر در سطح و عمق در کار تغییر و دگرگونی‌اند؛ مثل هر نهادی دیگر. این شواهد نشان از پیچیدگیهای ذاتی این نهاد دارد. از این رو پدیده‌ای **چند بعدی**^{۳۰} است و بررسی آن نیازمند رویکردی **چند رشته‌ای**^{۳۱} است. نادیده‌انگاشتن یا توجه ناکافی به چند بعدی بودن این نهاد در انجام اغلب مطالعات و بررسیها در این باره و اتکای این گونه مطالعات به دیدگاههای خاص، محدود و معطوف به زمان و مکان خاص، دستیابی به توافق بر سر اصول و مبانی و پیش‌بینی آینده حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری را دشوار و ناممکن ساخته است. وجود سه دیدگاه از بنیاد متفاوت در مورد آینده حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری بارزترین نمود این دشواری و پیچیدگی یا نارسایی است؛ در حالی که شماری از پژوهشگران پیش‌بینی کرده‌اند که آینده حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری روبرو توسعه و گسترش است، گروهی دیگر حرفه‌زدایی از مشاغل حرفه‌ای را تقدیر آینده آن دانسته‌اند و گروه سوم استخدام حرفه‌ها در نهاد بوروکراسی را فرجام آن پیش‌بینی کرده‌اند. اینها و جوه گوناگون ابهاماتی را می‌نمایاند که در ساخت این نهاد یا در روش‌شناسی مطالعات آن از جنبه نظری وجود دارد. پیشنهاد این بررسی از جمع‌بندی یافته‌ها و نتایج مطالعات یادشده در بالا و از تفسیر آرای پژوهشگران مربوط این است که مطالعات بنیادی درباره حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری می‌تواند در سه سطح انجام گیرد. اول، در سطح تاریخی، دربرگیرنده جنبه‌های ایدئولوژیکی، نظری و فرهنگی؛ دوم، در سطح ملی، در پیوند با نوع حاکمیت، از

قدرت هر گروه حرفه‌ای با محتوای شغل مربوط نیز رابطه مستقیم دارد و به همین ترتیب هرگونه تغییر عمده در محتوای شغل حرفه‌ای یا زمینه فعالیت آن بر اقتدار حرفه مربوط تاثیر می‌نهد

نظر تقسیم قدرت و حاکمیت بین دولت و بازار و در پیوند با مناسبات بین‌المللی، از جنبه‌های سیاسی، تکنولوژیکی، اقتصادی، و از نظر مناسبات حاکم بر روابط دولت-شهر و بازار-مشتری؛ و سوم، در سطح تجربی در پیوند با ظرفیتهای و قابلیت‌های نظام آموزشی، مناسبات افراد و موسسات حرفه‌ای، ساخت سازمانی موسسات در بخشهای عمومی و خصوصی، درک و اقبال عمومی نسبت به خدمات حرفه‌ای و موقعیت مشاغل حرفه‌ای نسبت به سایر مشاغل و روابط بین حرفه‌ها در جامعه.

در حالی که بارزترین نتیجه بررسی اغلب مطالعات انجام شده در مورد حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری بیانگر آن است که در کمتر زمینه‌ای از زمینه‌های مهم حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری بین پژوهشگران توافق وجود دارد، اما بررسی روش‌شناسی و یافته‌های مطالعات و پژوهش‌های انجام شده به دلیل اتکای هر کدام به مبانی نظری متفاوت و پیوند هر یک با شرایط زمانی و مکانی و موقعیتهای خاص دستاورد مهمی را پیش روی پژوهشگران در پژوهش‌های آینده نهاده است و آن اینکه از مجموع مطالعات یادشده می‌توان به عناصر و اجزای روش‌شناسی مطالعات چند رشته‌ای در زمینه حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری دست یافت. افزون بر این مطالعات پیشین دستاورد چشمگیر غیر مستقیم دیگری دارد و آن اینکه حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری در هر جامعه باید به صورت جداگانه و در مجموع مقتضیات و شرایط خاص زمانی و مکانی آن جامعه مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. همان‌گونه که پیش از این در مقدمه ذکر شده، مورفی آشکار ساخته است که به سختی می‌توان دو جامعه را یافت که حرفه‌های آنها به نحو کامل همسان باشد، و همان‌گونه که ابات از تحقیقاتش دریافته است، حتی هیچ حرفه‌ای نمی‌تواند برای همیشه در همان وضعی که قرار داشته باقی بماند.

سرانجام اینکه در زمینه دستیابی به پاسخ پرسش اساسی و جدی بسیاری از پژوهشگران دهه ۱۹۹۰ و پس از آن در مورد آینده حرفه‌ها که آیا رو به زوال اند یا رو به گسترش، مطالعات مورد بررسی این مقاله پاسخ به نسبت قاطع و توافق شده‌ای به دست نمی‌دهند؛ اگر چه یافته‌های بسیاری از این پژوهش‌ها گواهی می‌دهند که قدرت حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری در کنترل کار حرفه‌ای، کنترل محیط کار حرفه‌ای و بر همین منوال قدرتشان در کنترل بازار کار حرفه‌ای در اثر فزونی گرفتن قدرت نهاد سرمایه که حرفه‌ها را به بازاری تر شدن سوق داده است کاهش گرفته است. اما پاسخ توصیفی ابات در این باره فرضیه درک شدنی تری عرضه می‌کند. او می‌گوید، من نمی‌گویم که حرفه‌ها دارند می‌میرند. آنچه دارد می‌میرد قدرت صنفی آنهاست که به نحو فزاینده‌ای در حال جایگزین شدن با قدرت سرمایه یا دولت و یا هر دوی آنهاست و ماهیت و ویژگی انجمن‌های حرفه‌ای، محیط کار آنها، بازار کار و رابطه گروه‌های حرفه‌ای را با حاکمیت کنترل می‌کند. در توجه به این فرضیه‌ی ابات، پیشنهاد نگارنده این است مصداق مفهوم «حاکمیت» در نظر او به قاعده مجموعه نهاد دولت و نهاد سرمایه را دربرمی‌گیرد. دست کم در جامعه‌های مورد مطالعه و مورد نظر وی، حاکمیت به تنهایی در حیطه اختیار دولت نیست. او در این زمینه درباره جامعه‌هایی سخن می‌گوید که دولتهای رفاه^{۳۲} در حال سهیم شدن با بازار و یا در حال انتقال حاکمیت به دولتهای بازار^{۳۳} اند.



پانوشته‌ها:

- 1- Power Perspective Theories
- 2- Professionalization
- 3- Deprofessionalization
- 4- Proletarianization
- 5- Proletarianized Professionals
- 6- Routine
- 7- Deskilling
- 8- New Middle Class
- 9- Old Middle Class
- 10- Micro-electronics
- 11- Service Economy
- 12- Community
- 13- Authority
- 14- Autonomy
- 15- Comprador Capitalism
- 16- Client-constitutive

pp. 1-137, 1997

● Chambers, R., **Challenging the Professions: Frontiers for rural development**, Intermediate Technology Publications, London: pp. 1, 1993

● Collins, R., 1990b, Changing conceptions in the sociology of professions, In Torstendahl, R. and Burrage, M., **The Formation of Professions: Knowledge, states and strategy**, SAGE Publications, Sweden: pp. 21-23, 1990

● Freidson, E., **Professional Powers: a Study of the Institutionalization of Formal Knowledge**, The University of Chicago Press, Chicago and London: pp. 111-218, 1986

● Freidson, E., **Professionalism: The Third Logic**, The University of Chicago Press, Chicago: pp. 12-128, 2001a

● Jary, D. and Jary, J., **Collins Dictionary of Sociology**, 3rd. Ed., Harpers Collins Publishers, UK., Glasgow, 2000

● Krause, E.A., **Death of the Guilds: Professions, States, and the Advanced of Capitalism, 1930 to the Present**, Yale University Press, New Haven and London: pp. ix-284, 1996a

● Larson, M.S., In the matter of experts and professionals, or how impossible it is to leave nothing unsaid, In Torstendahl, R. and Burrage, M., 1990, **The Formation of Professions: Knowledge, States and Strategy**, SAGE Publications, Sweden, 1990c

● Leicht, K.T. and Fennell, M.L., **Professional Work: A Sociological Approach**, Blackwell Publishers, USA, 2001b

● Meddlehurst, R. and Kennie, T., **Leading Professionals: Towards New Concepts of Professionalism**, In., Broadbent, J. Dietrich, M. and Roberts, J. 1997, **The end of the Professions?** Routledge, London: pp. 59, 1997b

● Murphy, R., Proletarianization or bureaucratization: The fall of the professional? In Torstendahl, R. and Burrage, M. 1990, **The Formation of Professions: Knowledge, states and strategy**, SAGE Publications, Sweden: pp. 51-84, 1990d

● Perkin, H., **The Third Revolution: Professional Elites in the Modern World**, Routledge, London and New York: pp. 10-52, 1996b

● Rossides, D.W., **Professions and Disciplines: Functional and Conflict Perspectives**, Prentice Hall, New Jersey: pp. 54-153, 1998

● Shalileh, M., **Challenging Professionalism in Canada**, Unpublished Paper, Carleton University, 2001c

17- Welfare States

18- Citizen-Constitutive

19- Politicization

20- Professionalize

21- Client-and Citizen-constitutive

22- Professional

23- Entrepreneurial Capitalism

24- Corporate Capitalism

25- Small Property Economy

26- Concentrated Political Economy

27- Multiprofessional

28- Human Organization

29- Knowledge-based

30- Multidimensional

31- Multidisciplinary

32- Welfare States

33- Market States

منابع:

● محمدرضا محمدی فر، واژه‌نامه انگلیسی- فارسی کامپیوتر، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۳

● علی محمد حق شناس و دیگران، فرهنگ هزاره: انگلیسی- فارسی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۰

● آئن بیرو، ترجمه دکتر باقر ساروخانی، فرهنگ علوم اجتماعی: انگلیسی- فرانسه- فارسی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۶

● ماری برنجیان، گردآوری و تدوین، فرهنگ فلسفه و علوم اجتماعی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، ۱۳۷۱

● اقبال مستوفی زاده حقیقی، گردآوری، واژگان اقتصاد: انگلیسی- فارسی، فارسی- انگلیسی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴

● داریوش آشوری، فرهنگ علوم انسانی: انگلیسی- فارسی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۴

● Abbott, A., **The System of Professions**, The University of Chicago Press, Chicago and London: pp. 19-279, 1988

● Bertilsson, M., The welfare state, the professions and citizens, In Torstendahl, R. and Burrage, M., 1990, **The Formation of Professions: Knowledge, states and strategy**, SAGE Publications, Sweden: pp. 118-131, 1990a

● Brewer, L., **The future of Professionalism: The Case of Dentistry in Canada**, Thesis (M.A.)-Carleton University, Ottawa: pp. 1-101, 1985

● Brint, S., **In an Age of Experts: The changing role of professionals in politics and public life**, Princeton University Press, Princeton, New Jersey: pp. 3-96, 1994

● Broadbent, J. Dietrich, M and Roberts, J., 1997a, The end of the professions. In Broadbent, J. Dietrich, M. and Jennifer Roberts, **The end of the professions?** Routledge, London: